



Investigating the Socio-Political and Cultural Activities of the Family of Agha Bozorg Tehrani in Mashhad in Qajar and Pahlavi Periods

Ali Najafzadeh¹

Abstract

Mashhad has been an immigrant friendly city since the middle of the Qajar era because of its high status in terms of foreign and domestic trading. Therefore, the most powerful merchants and property owners of Mashhad were immigrants, as many Caucasian, Azerbaijani, Yazdi, Isfahani and Tehrani merchants moved to the city. One of the great immigrants was Agha Bozorg, a Tehrani merchant, who moved to Mashhad in 1291 AH. Two generations of his family administered Tehrani Tejaratkhaneh (trading house). Haji Agha Bozorg, Haj Abd al-Hossein, Mirza Mohammad Danesh Bozorgnia, and Ali Sadr al-Tojjar were the most important influencing, trading personalities of Mashhad who were active in various fields over 70 years. The study tried to see and explicate what economic arena, Tehrani family were active in, and their sociopolitical and economical role and status in Mashhad. The results indicate that Tehrani family started with renting Turquoise mines and then shifted to landholding. They were also active in foreign trade and exporting opium. They turned to leasehold of urban properties and producing compote. Due to doing business in leasehold, they were in contact with Astan Quds Razavi and its developments, but after the Goharshad incident, they sold a huge portion of their properties and moved to Tehran. The new generation of this family, in addition to political activities, having financial support engaged in cultural fields such as publishing periodicals and modern education. Taking a descriptive-analytical method, this study used the archived documents of Astan Quds Razavi, national documentary center, and those of the Ministry of Foreign Affairs.

Keywords: Mashhad, Agha Bozorg Tehrani, Abd al-Hossein Tehrani, Bozorgnia, Sadr al-Tojjar

1. PhD Candidate in History of Islamic Iran, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; anajaf@birjand.ac.ir



بررسی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خانواده آقابزرگ طهرانی در مشهد دوره قاجار و پهلوی

علی نجف زاده^۱

چکیده

مشهد از اواسط دوره قاجار به خاطر ارتقای موقعیت تجاری داخلی و خارجی به شهری مهاجرپذیر تبدیل شد که تجار قفقازی، آذربایجانی، یزدی، اصفهانی و تهرانی روانه این شهر شدند، چنانکه بزرگ‌ترین تجار و ملک‌التجارهای مشهد از مهاجران بودند. یکی از این مهاجران آقابزرگ تاجر طهرانی بود که در ۱۲۹۱ ق. وارد مشهد و دو نسل بعد این خانواده، تجارتخانه طهرانی را اداره کردند. حاجی آقابزرگ، حاج عبدالحسین، میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا و علی صدرالتجار رجال مهم این خانواده از چهره‌های اثرگذار اقتصادی مشهد بودند که به مدت هفتاد سال در حوزه‌های مختلف فعالیت داشتند. این پژوهش درصدد است نشان دهد خانواده طهرانی در چه حوزه‌های اقتصادی فعالیت و چه نقشی و جایگاه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در این مشهد داشتند؟ یافته‌ها حاکی از آن است که خانواده طهرانی فعالیت خود را در خراسان از اجاره معادن فیروزه شروع و سپس به ملاکی گرایش پیدا کردند. همچنین به تجارت خارجی و صادرات تریاک مشغول بودند و در دوره پهلوی به اجاره‌داری مستغلات شهری و تولید کمپوت پرداختند. در این بین، به واسطه اجاره‌داری، در ارتباط با آستان قدس رضوی و تحولات آن بودند، اما بعد از واقعه گوه‌رشاد بخش مهمی از املاکشان را فروختند و به تهران کوچ کردند. نسل جدید این خانواده علاوه بر فعالیت سیاسی، با پشتوانه مالی وارد حوزه فرهنگی نظیر انتشار نشریه و آموزش نوین شدند. این پژوهش با تکیه بر اسناد آستان قدس رضوی، اسناد ملی و وزارت امور خارجه به شکل توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

واژگان کلیدی: مشهد، آقابزرگ طهرانی، عبدالحسین طهرانی، بزرگ‌نیا، صدرالتجار

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛
anajaf@birjand.ac.ir

مقدمه

مشهد در دوره قاجار شهری مهاجرپذیر بود که علاوه بر زائران، تجار فراوانی به آن کوچ کردند. برخلاف مهاجرت‌های گروهی در دوره قاجار و پهلوی از هرات، قفقاز، آذربایجان، یزد و کاشان، از مناطقی نظیر تهران تعداد کمی مهاجر به مشهد وارد شد، ولی تجار پایتخت رجالی برجسته و اثرگذار بودند که جایگاه مهمی در مشهد یافتند. یکی از آن‌ها حاج قاسم تاجر طهرانی‌الاصل ساکن مشهد و سپس عبدالکریم در این شهر سمت ملک‌التجاری یافتند. حاج آقابزرگ تاجر طهرانی یکی دیگر از مهاجرانی بود که در دوره ناصرالدین‌شاه به مشهد مهاجرت کرد و پس از او پسر و نوه‌هایش طی سه نسل تجارتخانه بزرگ طهرانی را اداره کردند که در سطح بین‌المللی فعال بود. حاجی آقابزرگ، حاجی عبدالحسین، میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا و علی صدرالتجار مهم‌ترین اعضای این خانواده طی حدود هفتاد سال به‌طور مستمر در مشهد مشغول فعالیت اقتصادی بودند. پژوهش حاضر درصدد است با بررسی سیر تاریخی فعالیت‌های اقتصادی این خانواده به این سؤالات پاسخ دهد که آن‌ها در چه حوزه‌های اقتصادی فعالیت کردند؟ چه نقش و جایگاهی در این شهر داشتند؟ و چه تأثیری بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ مشهد برجای نهادند؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی درباره خانواده تاجران طهرانی در مشهد انجام نشده است. سرگذشت مختصری درباره نمایندگان مجلس شورای ملی توسط نظری با عنوان رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی) نگارش یافته است. میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا به خاطر نقش مؤثر در انتشار نشریه دانش در پژوهش‌های مطبوعات خراسان موردتوجه قرار گرفته است. حافظی و اسماعیلی بایگی در کتاب تاریخ تحلیلی روزنامه‌ها، مجله‌ها و سالنامه‌های خراسان مجله دانش و نقش دانش بزرگ‌نیا را بررسی کرده‌اند. دانش بزرگ‌نیا به خاطر نقش مؤثر در تأسیس دبیرستان دانش در پژوهش‌های آموزش و پرورش نظیر تاریخ آموزش و پرورش مشهد نوشته آقاملایی موردتوجه قرار گرفته است، اما به فعالیت اقتصادی و تجارت او چندان اشاره نشده است. فعالیت اقتصادی و تجاری چهار عضو این خانواده تنها در پژوهش تاریخ اقتصادی مشهد از دوره ناصری تا انقلاب اسلامی اثر علی نجف‌زاده و جلیل قصابی‌گرکوه به‌طور مختصر توجه قرار گرفته است. از این‌رو، بررسی ابعاد مختلف فعالیت خانواده آقابزرگ طهرانی بر اساس اسناد موردتوجه قرار دارد.

روش پژوهش

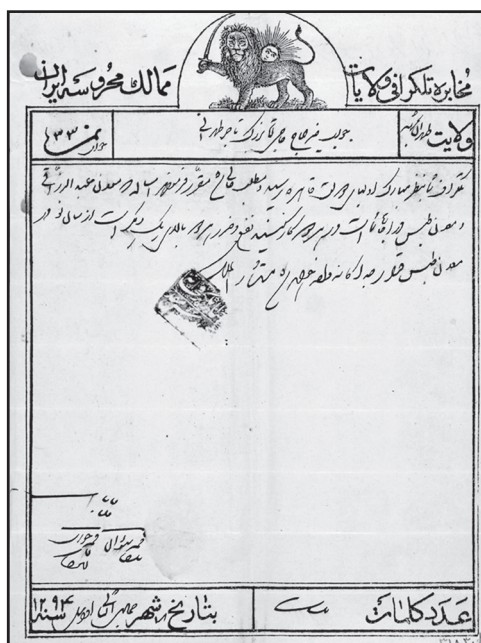
پژوهش حاضر به روش پژوهش‌های تاریخی و با استفاده از منابع اسنادی، مطبوعاتی و کتابخانه‌ای به صورت توصیفی - تحلیلی عملکرد خانواده آقابزرگ طهرانی را در دوره قاجار و پهلوی در مشهد مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش از اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی به ویژه اسناد خانواده بزرگ‌نیا، اسناد سازمان کتابخانه ملی، اسناد وزارت امور خارجه و مطبوعات مختلف چاپ مشهد بهره گرفته شده است و علاوه بر ارائه تصویری روشن و مستند از فعالیت اقتصادی هریک از اعضای خانواده آقابزرگ طهرانی، حوزه فعالیت آنان نیز به صورت تقریبی در نمودار نشان داده شده است.

فعالیت تجاری حاجی آقابزرگ طهرانی

حاجی آقابزرگ طهرانی فرزند حاجی محمدعلی اولین نسل از خانواده تاجران طهرانی در مشهد بود که به عنوان مستأجر معادن فیروزه خراسان وارد این شهر شد. از او با لقب «الحاج و المعمرین حاجی آقا بزرگ تاجر طهرانی» (ساکماق، ۱۳۲۶: ۱) و «جناب عمده‌التجار و افتخارالحاج و العمار حاجی آقابزرگ تاجر طهرانی» (ساکماق، ۱۳۴۲: ۱) یاد شده که نشانگر موقعیت اجتماعی و اقتصادی این فرد است. تجارتخانه خانواده طهرانی از تجارتخانه‌های قدیمی ایران بود که در حدود ۱۲۷۷ق. تأسیس و در خراسان و بعضی نقاط دیگر مشغول تجارت بود. (استادوخ، س ۱۳۰۲ش، ک ۳۶، پ ۲۲: ۳۷) دفتر او در مشهد سرای سالار قرار داشت (ساکماق، ۱۳۴۳: ۱) و در اواخر عمر خراسانی‌المسکن (ساکماق، ۱۳۴۳: ۱) توصیف شده است که نشان از اقامت در این شهر دارد. بخشی از فعالیت تجارتخانه او در خراسان، اجاره‌داری معادن فیروزه بود که احتمالاً از ۱۲۹۱ق. شروع شده است. طبق گزارش ابوالقاسم ملک‌التجار در اول شعبان ۱۲۹۱ق. او همراه با حاجی آقابزرگ طهرانی و ملا آقابابای تاجر معدنی سه غار عبدالرزاق، زاک و سرخ را به مبلغ سالیانه ۸۰۰ تومان اجاره کرد. (خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۹۰: ۵۳۳) حاجی آقابزرگ در ۱۲۹۲ق. همراه با ملا آقابابا، سفید معدن و عبدالرزاق را اجاره کردند که مبلغ اجاره آن در ۱۲۹۳ق هزار تومان بود. (ساکماق، ۱۳۴۱: ۱) و برای مستأجران سودآوری نداشت. بنا به نوشته ابوالقاسم ملک‌التجار صد دینار فیروزه هم بیرون نیاوردند و دیوان وجه خود را می‌گرفت. (خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۹۰: ۵۳۳) حاجی آقابزرگ طهرانی از ابتدای ۱۲۹۳ق. همراه عمادالملک، حاکم طبس، معدن فیروزه طبس را برای مدت ۳ سال به قرار ۱۵۰۰ تومان اجاره کرد (ساکماق، ۱۳۸۱: ۱) و در ۱۲۹۴ق.

تقاضای جدا کردن حساب آن دو معدن از یکدیگر نمود، اما مستشارالملک وعده آن را برای سال آینده داد. (ساکماق، ۳۱۸۳: ۱) (تصویر ۱) باین وجود، حاجی آقابزرگ تا ۱۲۹۵ق. زنده نماند و قبل از ذی الحجه ۱۲۹۴ق. درگذشت. اواخر این سال که موضوع تجدید اجاره معدن فیروزه طبس مطرح شد، قرارداد جدید با پسرش حاجی عبدالحسین تاجر طهرانی منعقد شد. (ساکماق، ۳۱۸۴: ۱) به خاطر شهرت حاجی آقابزرگ هنوز نامش در مکاتبات مربوط به اجاره معدن فیروزه ذکر می شد و پسرش «حاجی زاده ولد ارشد آن مرحوم» مدتی راهش را در این زمینه ادامه داد. میرزا بابا تاجر معدنی بعد از مرگ شریک خود، سهم او از فیروزه های معدن را در ربیع الثانی ۱۲۹۵ق. به پسرش حاجی عبدالحسین طهرانی داد. (ساکماق، ۳۴۲۹: ۱)

حوزه فعالیت حاجی آقابزرگ طهرانی اجاره داری، استخراج و تجارت فیروزه بود. کالای ارزشمندی که بیشتر به خاطر صادرات اهمیت داشت. به همین جهت بیشتر گزارش های باقیمانده از او درباره گمرک و صادرات فیروزه است. به عنوان مثال در صفر ۱۲۹۳ق. مبلغ ۱۰ تومان بابت گمرک فیروزه عبدالرزاق و سیاه ناتراش پرداخت کرد. (ساکماق، ۳۴۲۱: ۱) اسناد موجود، مشتریان و مسیرهای تجاری اش را نشان می دهند. بر اساس نامه ای از آقا غلامرضا تاجر کاشانی مشهور به حکاک او در ۱۲۹۲ق. مبلغ ۵۹۵ تومان در ارض اقدس از حاجی آقابزرگ تمسک گرفت تا بعد از چهار ماه آن را به حاجی عباسعلی تاجر اردوبادی بپردازد. (ساکماق، ۳۴۲۶: ۱)



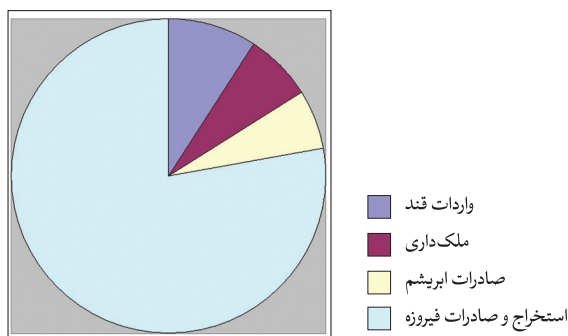
تصویر ۱: تلگرافی از تهران به آقابزرگ طهرانی درباره اجاره معدن فیروزه (ساکماق: ۳۱۸۳: ۱)

نامه‌ای از جمادی‌الاولی ۱۲۹۰ ق. خطاب به آقا محمداف نشان می‌دهد مبلغ ۶۶۴۴ منات اسکناس روسی بابت فروش فیروزه در دست حاجی آقابزرگ بود و حواله را حاجی عباسعلی تاجر اردوبادی از اسلامبول رساند. آقا محمدباقر تاجر فیروزه فروش مشهدی مقیم اسلامبول (ساکماق، ۱: ۳۴۲۸) و محمدجعفر بادکوبه‌ای در ارتباط با تجارتخانه حاجی آقابزرگ بودند. (ساکماق، ۱: ۳۴۱۸) فعالیت خارجی این تجارتخانه بیشتر در ارتباط با روسیه و عثمانی بود، اما نامی از تجارتخانه‌های طرف معامله ذکر نشده است. در حوزه داخلی با وجود تمرکز بر خراسان هنوز با تهران و تبریز تجارت می‌کرد. حاجی علی اکبر خراسانی ساکن تهران، عامل او در پایتخت بود که در ۱۲۹۵ ق. درگذشت و وراثت آن دو بر سر محاسبات تجاری اختلاف نظر پیدا کردند. (ساکماق، ۱: ۳۲۲۱) بیشتر طرفین معاملات حاجی آقا بزرگ حکاک و فیروزه تراش بودند. کربلایی اباذر حکاک (ساکماق، ۱: ۳۲۶۲)، آقا میرزا ابوالقاسم خلف مرحوم آمیرزا محمد یزدی و کربلایی نوروزعلی معدنی بعد از مرگ حاجی آقابزرگ جهت طلب و بدهی خود با پسرش حاجی عبدالحسین طهرانی مصالحه کردند. آقا میرزا ابوالقاسم نیز درباره ۱۶ هزار دستک صیقلی فیروزه به‌قرار یک تومان و چهار هزار دینار مصالحه کرد. (ساکماق، ۳: ۳۲۶۳؛ ۱: ۳۲۶۴) این دعاوی و مصالحه‌ها نشان می‌دهد بخش مهمی از محاسبات تجارتخانه حاجی آقا بزرگ با مرگ او نیمه‌تمام ماند و پسرش آن‌ها را تصفیه کرد.

یکی از قبض‌های پرداختی تجارتخانه حاجی آقابزرگ در ۱ ذی‌قعدة ۱۲۹۴ ق. نشان می‌دهد در زمینه تجارت ابریشم نیز فعالیت داشته است و مبلغ ۶۰۰ تومان بابت ۶ عدل ابریشم باید تحویل حاجی محمدباقر اردوبادی می‌داد تا در تبریز به حاجی محمدجعفر آقا اردوبادی بدهد. (ساکماق، ۱: ۳۴۳۰) تجارت قند دیگر حوزه فعالیت حاجی آقابزرگ بود. یکی از کارگزاران او در ۸ ربیع‌الاول ۱۲۹۲ ق. مبلغ ۲۰۰ تومان برای خرید قند از حاجی تقی تاجر دریافت کرد. (ساکماق، ۱: ۳۴۳۹) حاجی بابا کارگزار تجارتخانه طهرانی در بادکوبه (ساکماق، ۳: ۳۴۳۱؛ ۱: ۳۴۳۹) و ملا محمدعلی نماینده او در جومند گناباد بود. حاجی محمدحسین تاجر گنابادی نیز با این تجارتخانه در ارتباط بود و فرزندانش در ۱۲۹۳-۱۲۹۴ ق. چندبار از حاجی آقابزرگ پول دریافت کردند. (ساکماق، ۱: ۳۴۳۴؛ ۱: ۳۴۳۲) اسناد مالی، شبکه کارگزاران حاجی آقابزرگ طهرانی را در تهران، تبریز، گناباد و قفقاز و استانبول نشان می‌دهد.

شواهد کمی از ورود حاجی آقا بزرگ طهرانی به عرصه زمین‌داری و ملک‌داری در مشهد وجود دارد. مصالحه‌نامه‌ای از مریم خانم در دوم شعبان ۱۲۸۹ ق. نشان می‌دهد حاجی آقابزرگ

در محله گود حسام‌الدین دالان حاج رقیه، حوالی (حیاطی) داشته است (ساکماق، ۳۲۴۶: ۱) که در اصل متعلق به محمد اسماعیل تاجر کرمانی بود. این خانه بعد از او به مالکیت پسرش حاجی عبدالحسین طهرانی درآمد، اما قباله رسمی برای آن نوشته نشده بود. به همین جهت تاجر کرمانی دعاوی حقوقی مطرح کرد و بالاخره به قرار ۷۵ تومان با حاجی عبدالحسین طهرانی مصالحه نمود. (ساکماق، ۳۲۴۳: ۱) اجاره‌نشینی حاجی آقابزرگ نشان می‌دهد او علاقه و یا امیدی به استقرار کامل در مشهد نداشته و تنها به عنوان یک تاجر غیربومی در این شهر ساکن بود و املاک و مستغلاتی در مشهد و اطراف آن نخرید. در زمینه املاک زراعی تنها در یک مورد مبلغ ۷۰۰ تومان بر ذمه و رقبه حاجی میرزا هبه‌الله الحسینی سلطان‌العلمای خراسانی برای یک سال در مقابل ۶ سهم از ۲۰ سهم کل مزرعه هدایت آباد واقع در بلوک تبادکان در رجب ۱۲۹۴ ق. به مال‌الصلح ۱۴۰ تومان داد (ساکماق، ۳۵۰۹: ۱) که این ملک به مالکیت او درنیامد. حاجی آقابزرگ شخصیتی مذهبی داشت و این را از میزان پرداخت زکاتش می‌توان دریافت. حاجی عبدالحسین طهرانی بعد از مرگ پدرش حسب‌الوصیه او مبلغ ۵۲ تومان و نیم بابت زکات در ربیع‌الثانی ۱۲۹۵ ق پرداخت کرد. (ساکماق، ۳۴۵۱، ۱) این رقم میزان سرمایه زیاد او را نشان می‌دهد.



حدود تقریبی حوزه‌های فعالیت اقتصادی آقابزرگ طهرانی (مأخذ: نگارنده)

فعالیت تجاری حاجی عبدالحسین طهرانی

حاجی عبدالحسین طهرانی اولاد ارشد حاجی آقابزرگ، از تجار بانفوذ و ثروتمند مشهد در اواخر دوره قاجار بود که پسرانش در این کار با او مشارکت داشتند. مهم‌ترین عرصه فعالیت اقتصادی طهرانی برخلاف پدرش، تجارت و زمین‌داری بود. او اجاره‌داری در زمینه فیروزه را زیاد ادامه نداد. در سال‌های ۱۲۹۵-۱۲۹۶ ق. با ملا آقابابا تاجر معدنی در معدن فیروزه

عبدالرزاقی مشارکت نمود و در ۱۲۹۶ق. نصف معدن فیروزه طبس را در اجاره داشت، اما این مشارکت را قطع و تمام آن به عمادالملک منتقل شد. (ساکماق، ۱:۱۲۱۶۸۵) یکی از علل کنار گذاشتن اجاره معادن فیروزه خراسان ظهور رقبای بزرگی همچون ملکالتجار و مخبرالدوله بود. به همین جهت، طهرانی بیشتر به ملکداری و تجارت خارجه پرداخت. او تاجر مقیم و معتبر مشهد به‌ویژه در زمینه تریاک بود. این کالا را به روسیه، هنگ‌کنگ و لندن صادر و در مقابل منسوجات و چای سبز وارد می‌کرد. (فرهنگ جغرافیای ایران خراسان، ۱۳۸۰: ۹۷۰؛ ساکماق، ۳: ۳۶۹۷) طبق گزارش انگلیسی‌ها، او صادرکننده تریاک به هند بود و بیشتر آن‌ها را برای کمپانی الباهو داود ساسون می‌فروخت. ارزش کلی صادرات او در اواخر دوره قاجار، ۲۰۰ هزار تومان برآورد می‌شد. (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۱۳۹۸: ۵۷۶) او از مشهد و یزد تریاک می‌خرید و از طریق بندرعباس و بوشهر برای تجارتخانه ساسون می‌فرستاد. این تریاک‌ها شامل بی‌روغن و روغنی در قالب باندرول و صندوق بسته‌بندی می‌شد (ساکماق، ۱: ۳۶۹۷)؛ تجارتی که از ۱۲۹۹ق. تا اوایل دوره پهلوی ادامه پیدا کرد و به خاطر ریسک فراوان بارها مشکلاتی برای خانواده طهرانی به وجود آورد. یکی از خطرهای، فراز و نشیب قیمت‌ها به خاطر آفت‌های طبیعی نظیر تگرگ و خشکسالی بود. طبق گزارش ابوالقاسم ملکالتجار در ۱۴ رجب ۱۳۰۱ق. پسر حاجی آقا بزرگ یک فقره تریاک در یزد به قیمت ۱۹ تومان فروخت، اما بعد از چند روز خودش آن را به قیمت ۲۱ تومان خرید. (خراسان در اسناد امین‌الضرب، ۱۳۹۰: ۳۵۱)

یکی دیگر از خطرهای تجارت تریاک تحولات سیاسی و تأثیر آن بر بازار مصرف بود. حوادثی نظیر جنگ جهانی اول بر صادرات تریاک اثر منفی گذاشت. یک محموله از صادرات تریاک این تجارتخانه به روسیه شامل ۲۶۴ کلی برای تجارتخانه وهاب‌اف در مسکو همزمان با انقلاب روسیه در ۱۹۱۷م. / ۱۳۳۵ق. توسط اداره پست مسکو مصادره شد و پیگیری‌های آن تا ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ق. به نتیجه نرسید. (استادوخ، س ۱۳۰۱، ک ۱۵، پ ۵: ۲) حواله این محموله به تجارتخانه‌ای ایرانی نشان می‌دهد که خانواده طهرانی به‌طور مستقیم با تجارتخانه‌های ایرانی روسیه تجارت می‌کردند. این در حالی بود که تجارتخانه‌های متعدد روسی در مشهد فعال بودند، اما برخی تجار ایرانی نظیر خانواده طهرانی کالاهای صادراتی خود به بازار مقصد روسیه را توسط تجار ایرانی به فروش می‌رساندند و این برخلاف مسیر هندوستان بود که تریاک برای تجارتخانه ساسون ارسال و در بازارهای مختلف لندن و هنگ‌کنگ فرستاده می‌شد. در اسناد خانواده بزرگ‌نیا شواهدی از ارتباط مستقیم تجاری با تجارتخانه‌های روسی مستقر در

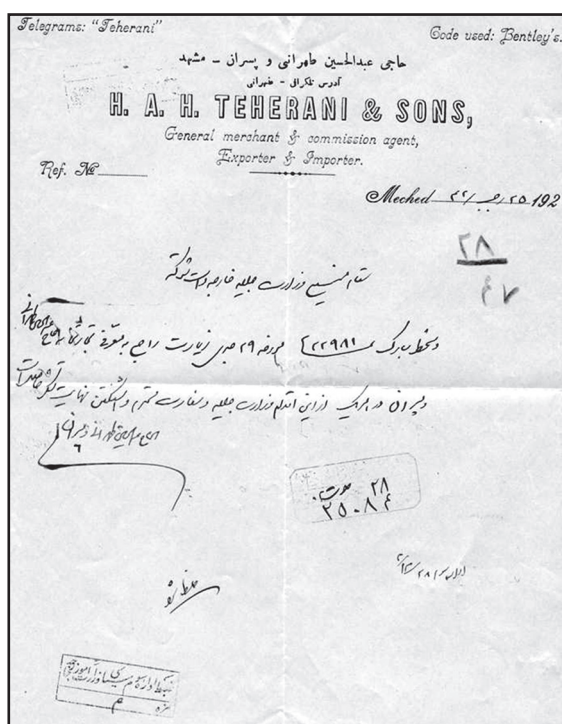
مشهد به دست نیامد.

صدور تریاک به لندن نیز بی‌مخاطره نبود. به عنوان مثال در ۱۳۳۷ ق. ۱۱۵ صندوق برای تجارت‌خانه ساسون در لندن ارسال شد، اما این محموله بعد از دو سال خریدار پیدا نکرد و به اجبار بازگردانده شد که چالش‌هایی در زمینه گمرک و سرنوشت آن به وجود آمد. (استادوخ، س ۱۳۳۹، ک ۱۳، پ ۲: ۱۳) اگرچه این مسئله می‌توانست متأثر از شرایط سیاسی و تجاری پس از جنگ جهانی اول باشد، اما موضوع اصلی مخلوط کردن مواد زائد به تریاک و نیافتن مشتری بود. (ساکما، ۱۸۵۲۵-۲۴۰: ۳۳) عدم رعایت استانداردهای تجاری در صادرات تریاک از مشکلاتی بود که در اواخر دوره قاجار بروز کرد و نتایج منفی آن در مشهد از اوایل ۱۳۲۵ ق. آشکار شد؛ زمانی که تریاک‌های ارسالی به ترکستان بازگردانده شد و نایب‌الحکومه خراسان چند نفر از تجار متقلب را بازخواست و تنبیه کرد تا دیگر قند و مواد دیگری داخل تریاک نکنند. این‌گونه تقلب‌ها بخش مهمی از تجارت مشهد را با مشکل مواجه کرد. (بشارت، ش ۱۶: ۱) بازگرداندن محموله صادراتی طهرانی از لندن، نشان می‌دهد تجارت مشهد از این شکست‌ها درس عبرت نمی‌گرفتند.

مسیر صدور تریاک حاجی عبدالحسین طهرانی بیشتر از طریق بندرعباس، بوشهر و عشق‌آباد بود. شترداران افغان نقش مهمی در حمل و نقل محموله‌های طهرانی در مسیر بندرعباس داشتند. در یک مورد جمازه افغانی در رمضان ۱۳۲۱ ق، ۲۲ صندوق تریاک به قیمت ۴۰۰ تومان از مشهد به بندرعباس حمل نمود. (استادوخ، س ۱۳۲۱ ق، ک ۲۹، پ ۱: ۳) این کاروان‌ها در بازگشت نیز کالاهایی برای طهرانی می‌آوردند. گزارش حسنقلی‌خان در اواخر دوره قاجار نشان می‌دهد غفارخان افغان و برادرش ۵۰ شتر بار برای حاج عبدالحسین طهرانی از بندرعباس به مشهد آوردند که ۲۰ بار قماش، ۲۰ بار فلفل و ۱۰ بار حلب برای تریاک بود. (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۶۲۹) شیوه انتقال پول تریاک‌های فروخته شده مشکل دیگری بود که به خاطر تحولات بین‌المللی برای تجارت‌خانه‌هایی نظیر عبدالحسین طهرانی پیش آمد. برات پنج‌هزار پوندی اداره ساسون برای طهرانی به‌طور تلگرافی از لندن به مسکو به حساب علی درودی ارسال و نزد بانک مرابحه گذاشته شد، اما به خاطر تغییر مظنه پوند، انقلاب روسیه و مشکلاتی که بین درودی و وراث طهرانی به وجود آمد، حکم قضایی آن علیه درودی در ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۴ ق. صادر شد. (استادوخ، س ۱۳۰۴، ک ۳۷، پ ۳: ۶)

تجارت‌خانه حاج عبدالحسین طهرانی در ۱۳۰۲ ش. علاقمند به تجارت با آمریکا شد.

تجارتخانه‌های آمریکایی از وزارت خارجه ایران درخواست کردند تا تجارت معتبر ایرانی را معرفی کند. تجارتخانه طهرانی نسبت به این درخواست پاسخ مثبت داد و درخواست معرفی نمود، زیرا تجارتخانه‌ای بود که در داخل و خارج از کشور با کمپانی‌های مهم مبادلات تجاری داشت و قالی، خشکبار (پسته و بادام)، تریاک، کتیرا، پشم، پنبه و فیروزه صادر و اجناس زرعی (انواع پارچه)، خرازی، ماشین‌آلات و سایر امتعه وارد می‌کرد. (استادوخ، س ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۲۲: ۳۷-۳۸) وزارت خارجه ایران همچنین صورت اسامی تجار ایران را برای «وزارت تجارت اتازونی» ارسال کرد تا از این طریق آگاهی‌های تجاری موردنیاز به اطلاع تجار آمریکایی برسد. نام میرزا محمد دانش از تجار معتبر مشهد نیز در بین آن‌ها بود. (استادوخ، سال ۱۳۰۲ ش، کارتن ۳۶، پوشه ۲۲: ۱۴) (تصویر ۳) بانک شاهنشاهی و رکن‌التجار از طرف‌های تجاری حاجی عبدالحسین طهرانی بودند. نامه‌های ارسالی از سیستان در ۱۳۳۵ق. نحوه ارتباط با بانک شاهنشاهی در انتقال پول و ارتباط با حاجی محمدکاظم رکن‌التجار را نشان می‌دهد. (ساکماق، ۱: ۳۴۴۱)



تصویر ۳: نامه تجارتخانه حاجی عبدالحسین طهرانی و پسران به وزارت امور خارجه (استادوخ، س ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۲۲: ۸)

سال اول، شماره یک، دوره جدید، بهار و تابستان ۱۴۰۱

یکی از شیوه‌های فعالیت طهرانی در مشهد قرض دادن پول به افراد در قبال ذمه املاک بود. به عنوان نمونه در ۱۴ ربیع الاول ۱۳۰۵ ق. مبلغ ۴۰ تومان به میرزا احمد نجار و کربلایی محمدجعفر جدیدالاسلام تاجر داد تا ۷ ماه بعد کارسازی کنند. (ساکماق، ۱: ۳۲۷۵) در موردی دیگر در ۱۷ شوال ۱۳۲۷ ق. مبلغ ۳۲ تومان به علی خان وظیفه خوار دولت انگلیس داد تا بعد از ۶ ماه از قرار ماهی ۶ تومان و نیم به مدت ۵ ماه بابت مواجب خادمی پرداخت نماید و مستوفی خزانه داری دولت انگلیس آن را از حقوق علی خان کسر کند. (ساکماق، ۱: ۳۴۴۳) حاجی عبدالحسین طهرانی تاجر صحیح‌العملی بود که تجارتخانه‌اش مدت مدیدی فعالیت کرد و پیوسته بر نیکنامی و درستکاری‌اش افزود. او صادراتش را به نحوی مخصوصی ارسال می‌کرد، به طوری که نسبت به دیگر محصولات به خاطر حسن عملش همیشه مبلغی گران‌تر به فروش می‌رسید. (مهرمنیر، ش ۳۰: ۲) این تجارتخانه در خراسان و بعضی نقاط دیگر مشغول تجارت بود و تقریباً مدت ۶ دهه تا زمان فوت بنیان‌گذار آن هیچ‌گونه فتوری در آن راه نیافت و با بعضی از کمپانی‌های خارجی طرف معامله بود. (استادوخ، س ۱۳۰۲، ک ۳۶، پ ۲۲: ۳۷)

حاجی عبدالحسین طهرانی در عرصه زمین‌داری

طهرانی یک دهه بعد از فوت پدرش به خرید املاک و مستغلات در مشهد و مناطق اطراف پرداخت. از ۱۳۰۵ ق. املاکی در محله گود حسام‌الدین و دالان حاجیه رقیه خریداری کرد. ابتدا یک باب حوالی ملکی در زیر دالان حاجی رقیه جنب مسجد گوهرشاد به قیمت ۳۰۰ تومان از آقا میرزا داود الحسینی (ساکماق، ۱: ۳۶۲۲) و سه سال بعد یک باب سراچه، اسطبل و متعلقات آن به قیمت ۳۵۰ تومان خریداری کرد. (ساکماق، ۱: ۳۲۷۰) در ۶ شعبان ۱۳۱۳ ق. از وارثان سید حیدر زیارت‌نامه خوان یک حوالی ملکی واقع در دالان حاج رقیه که از دو طرف به حوالی‌اش متصل بود، به قیمت ۸۰۰ تومان (ساکماق، ۱: ۳۲۳۱) و در رجب ۱۳۳۱ ق. یک باب حوالی کوچک در دالان حاج رقیه از حاجی سید رضا و حاجی میرزا محمدامین به مبلغ ۵۵۰ تومان خریداری کرد. (ساکماق، ۱: ۳۲۳۳) همچنین در شوال ۱۳۱۰ ق. یک باب خانه در گود حسام‌الدین مقابل کاروانسرای حاج صالح به قیمت ۱۲۰ تومان از شهربانو خانم دختر مرحوم آقا حسین و رقیه سلطان خانم دختر مرحوم کربلایی عباس زرگر (ساکماق، ۳۲۳۶: ۱)، یک حوالی دیگر نیز در این محله در جمادی‌الاولی ۱۳۱۳ ق به قیمت ۶۰۰ تومان از میرزا عبدالحسین خادم کشیک ثانی آستانه (ساکماق، ۱: ۳۲۳۸) و ۲۵ ذرع از اراضی خانه ملکی

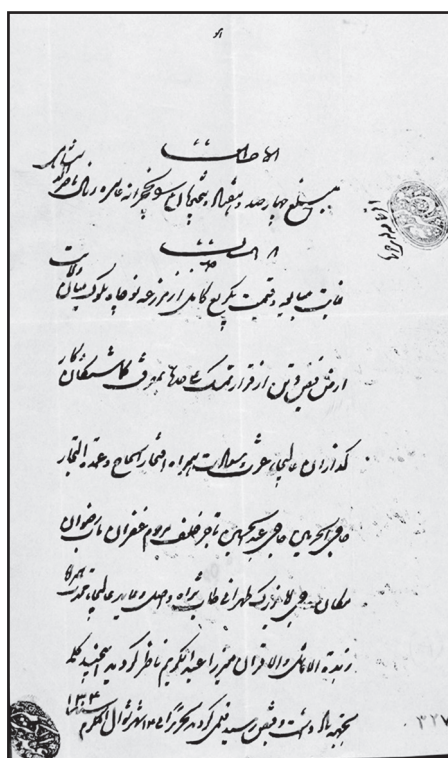
ابوالقاسم را که متصل به خانه اش بود، در شوال ۱۳۲۸ ق. خریداری کرد. (ساکماق، ۱:۳۲۱۵)

علاوه بر این، طهرانی در ۲۷ شوال ۱۳۳۷ ق. یک باب منزل واقع در کوچه میرزا ابوطالب و علی خان به قیمت ۱۸۰۰ تومان (ساکماق، ۱:۳۲۴۸) و دو باب حوالی از میرزا عبدالحسین وزیر مسجد جامع کبیر خریداری کرد. (ساکماق، ۱:۳۶۹۶) مدارک معاملات ملکی طهرانی نشان می دهد او برخلاف پدرش منازل متعددی که بیشتر متصل به منزل اصلی اش در دالان حاج رقیه و محله گود حسام الدین بود، خریداری و آن را توسعه داد. بااینکه حوزه اصلی فعالیت طهرانی تجارت بود، اما به تدریج با خرید مستغلاتی در مشهد و مزارعی در اطراف شهر وارد عرصه زمین داری و اجاره داری املاک شد و به یکی از ملاکان مهم مشهد تبدیل گردید. او مالک نصف بیلدر، نصف فیانی، چاهشک، تمام زرکش و هدایت آباد و غیره بود و علاوه بر آن املاکی از موقوفات آستان قدس رضوی و مسجد گوهرشاد در اجاره داشت.

مزرعه زرکش مهم ترین ملک حاجی عبدالحسین طهرانی بود. مزرعه ای که در اوایل دوره قاجار متعلق به مرشدقلی خان کرد صفی کانلو بود و پس از چند دست معامله نصف آن به حاج ملاحسین روضه خوان کل آستانه رسید که در ۱۳۰۷ ق. به طهرانی فروخت. (ساکماق، ۱:۳۵۹۸) فرزندان فروشنده نیز در سال های بعد آن را مصالحه کردند. وجه پرداختی برای مصالحه نامه ها ساختار مالی و نحوه انتقال پول در بازار مشهد را نشان می دهد. رابط طرفین در زمان انتقال پول حاجی غلامحسین زرگر بود و حواله انتقال پول توسط خریدار و چند صراف انجام گرفت. (ساکماق، ۱:۳۲۵۶) زرکش تا اواخر دوره قاجار متعلق به حاجی عبدالحسین طهرانی شد و دانش بزرگ نیا در ۱۳۰۹ ش. برای شش دانگ آن درخواست ثبت داد. (ساکماق، ۵:۹۵۶۲۳) فیانی یکی دیگر از املاک طهرانی بود. نصف آن موقوفه مسجد گوهرشاد و نصف دیگر ملک طهرانی بود. (ساکماق، ۱:۳۲۱۴) که آن را در ۱۳۰۴ ق. از حاجی محمد مهدی تاجر طبسی خریداری کرد. (ساکماق، ۱:۳۶۲۱) طهرانی همچنین مالک نصف بیلدر بود که آن را ۱۳۰۶ ق. از مالکان جزء نظیر کربلایی رجبعلی طرهبهی و محمدعلی طرهبهی خرید و تا شوال ۱۳۳۸ ق. مالک نصف آن شد. (ساکماق، ۱:۳۵۹۹؛ ۱:۳۵۷۸؛ ۱:۳۲۱۲)

مزرعه نوچاه در بلوک جعفری یکی دیگر از املاک طهرانی بود. یک ربع آن را در شوال ۱۳۰۴ ق. از میرزا عبدالکریم ناظر و قسمتی دیگر آن را در ۱۳۱۷ ق. از میریوسف خان تیموری خریداری کرد. (ساکماق، ۱:۳۲۴۹؛ ۱۰:۳۲۷۳) ۱۶ سهم و نیم از ۲۰ سهم سه ربع نوچاه متعلق به حاجی محمد جعفر بود که با یک واسطه در ۱۲۹۴ ق. به مبلغ ۲۱۰۰ تومان به طهرانی فروخته

شد. (ساکماق، ۳۲۷۲: ۱) تصویر شماره ۲. بیشتر مزرعه نوچاه در ۱۳۰۹ ق. متعلق به طهرانی شده بود که برای احیاء قنات آن قطعات متعددی از زمین جنب قبرستان گلستان را برای مدت ۹۰ سال از مالکانش اجاره کرد. (ساکماق، ۳۲۲۳: ۱) بدین ترتیب تقریباً تمام نوچاه متعلق به طهرانی شد.



تصویر ۲: رسید وجه خرید یک ربع مزرعه نوچاه توسط حاجی عبدالحسین طهرانی (ساکماق، ۳۲۷۳: ۱)

مزرعه چاهشک در بلوک میان ولایت یکی دیگر از املاک طهرانی بود که به تدریج توسط او خریداری شد. نصف مزرعه چاهشک توسط وراث حاجی محمد مهدی تاجر طبسی در رجب ۱۳۱۴ ق. به مبلغ ۲۶۵ تومان به او فروخته شد. (ساکماق، ۳۲۴۲: ۱) طهرانی نصف دیگر را نیز در ۱۳۱۷ ق. از حاجی محمد تاجر طبسی به مبلغ ۱۷۵ تومان خریداری کرد. (ساکماق، ۳۶۰۰: ۱) و مالک بخش عمده چاهشک شد. حاجی عبدالحسین طهرانی علاوه بر مزارع فوق در غرب مشهد، در مناطق شرق خراسان نیز املاکی خریداری کرد. مهم‌ترین ملک زراعی او در بلوک سرجام مزرعه هدایت آباد بود که آن را در ۴ رجب ۱۳۱۸ ق. به مبلغ ۶۶۰۰ تومان از حاجی میرزا احمد تاجر یزدی خرید. (ساکماق، ۳۲۴۷: ۱) او همچنین در ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۳۲ ق.

یک دالستان در تایباد از کربلایی حجبی مغنی به مبلغ ۵۰ تومان خریداری کرد. (ساکماق، ۱۳۲۴: ۱) بخش مهمی از مبادلات ملکی در اطراف مشهد به خاطر مسائل تجاری نظیر طلبکاری، بدهکاری و ورشکستگی اقتصادی تجار بین آن‌ها دست به دست می‌شد.

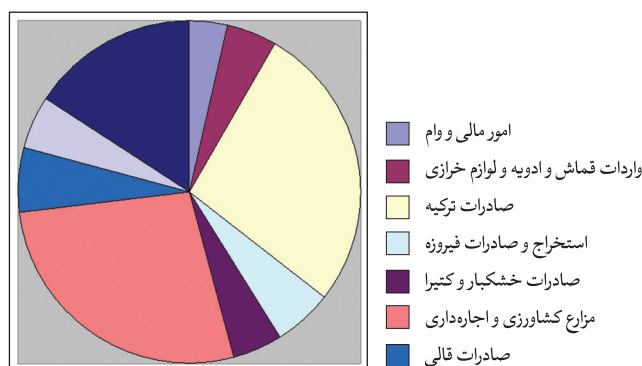
طهرانی علاوه بر خرید و استفاده از این املاک از مستأجران مهم موقوفات آستان قدس رضوی نیز بود. او نصف مزرعه بیلدر را از سال زراعی ۱۳۱۴ ق (ساکماق، ۱۳۶۹: ۱) به مدت ۱۰ سال از قرار ۲۴۰ خروار غله اجاره کرد که در زمان تولیت آصف الدوله و سپس صدیق الدوله در محرم ۱۳۱۷ ق. تمدید شد. شاید علت اصلاح اجاره‌نامه تبدیل مال الاجاره از جنسی به نقدی بوده است. در اجاره‌نامه جدید مبلغ ۱۵۰ تومان وجه نقد، ۱۲۰ خروار غله و ۱۵ خروار غله تعیین شد. (ساکماق، ۱۳۱۷: ۱؛ ۱۳۶۹: ۱) این اجاره‌نامه در ۱۳۱۹ ق. برای مدت ۴ سال و در ۱۳۲۲ ق. برای ۶ سال تمدید شد. (ساکماق، ۱۳۶۸: ۱؛ ۱۳۶۷: ۱) در سال‌های پس از مشروطه، به جای طهرانی قرارداد اجاره بیلدر با فرزندش میرزا محمد تاجر منعقد شد. مزرعه اندرقد یا امیرآباد یکی دیگر از اراضی مورد اجاره طهرانی بود. آن مزرعه را از صدرالممالک در ۱۳۱۲ ق. برای مدت ۲۰ سال به مبلغ ۶۰۰۰ هزار تومان اجاره کرد. (ساکماق، ۱۳۱۸: ۱) گزارش مالیاتی ۱۳۳۳ ق. نشان می‌دهد دیمه‌زار اندرقد در اختیار طهرانی بوده است. (ساکماق، ۱۳۲۸: ۱)

بر اساس فهرست مالیاتی ۱۳۳۲-۱۳۳۳ ق، طهرانی مزارع چاهشک، نوچاه، بیلدر، فیانی، هدایت‌آباد، زرکش و دیمه‌زار اندرقد را در اختیار داشت که برخی از آن‌ها ملک متصرفی و بعضی در اجاره او بودند. (ساکماق، ۱۳۲۸: ۱؛ ۱۳۲۸: ۱؛ ۱۳۲۷: ۱؛ ۱۳۲۷: ۱) طهرانی در املاکش دامداری نیز می‌کرد. او در مزرعه نوچاه ۲۲۵ راس گوسفند داشت که در ۱۳۳۲ ق. مبلغ ۲۲ تومان و ۵ هزار دینار بابت مالیات سرگله آن‌ها پرداخت نمود. (ساکماق، ۱۳۲۸: ۱)

ملک‌داری نیز مشکلات خاص خود را داشت که برخی از آن‌ها در مکاتبات طهرانی انعکاس یافته است. اختلاف با همسایگان بر سر اراضی نظیر زمین‌های پشت باغ زرکش، مشکلات حفر و احیاء قنات در نوچاه و فیانی به خاطر ممانعت همسایگان مهم‌ترین موارد بود. گزارش چندان از فعالیت سیاسی حاجی عبدالحسین طهرانی وجود ندارد. تنها می‌توان به همکاری با کلنل پسیان اشاره کرد که از نمایندگان تجار و زمین‌داران بزرگ درخواست وامی به مبلغ ۶۰۰۰۰ تومان برای مدت دو ماه داشت. طهرانی از معدود تجاری بود که با پرداخت این وام موافقت و ۱۵۰۰ تومان پرداخت کرد. (جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان، ۱۳۶۶: ۱۰۳)

سرمایه طهرانی در زمان فوت، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان برآورد شده است. (فروپاشی قاجار

و برآمدن پهلوی، ۱۳۹۸: ۵۷۶) که از حیث ثروت و صحت عمل در تجارت از تجار درجه اول به شمار می‌رفت. سرانجام پس از مدتی بیماری، شب ۷ دی ۱۳۰۲ ش، به مرض حصبه درگذشت و در حرم رضوی دفن شد. (مهرمنیر، ش ۳۰: ۲) طهرانی مردی شاعریشه بود. میرزا محمد دانش پدرش را مردی بسیار شایسته، معروف، متمول، تاجری نام‌آور و ملک‌داری عمده معرفی کرده است که با همه گرفتاری‌ها محفوظاتی داشت و قسمت عمده مثنوی معنوی را حفظ بود و در امور به آن‌ها استناد می‌کرد. در عمارات باغات و املاکش، وجود یک مثنوی و یک دیوان حافظ الزامی بود. (دانش بزرگ‌نیا، ۱۳۴۴: ۷) به خاطر همین، روحیه پسرانش میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا و علی صدرالتجار علاوه بر تداوم فعالیت تجاری‌اش، در حوزه شعر و ادبیات از چهره‌های شاخص مشهود بودند.



حدود تقریبی حوزه‌های فعالیت اقتصادی حاجی عبدالحسین طهرانی (ماخذ: نگارنده)

میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا در عرصه زمین‌داری

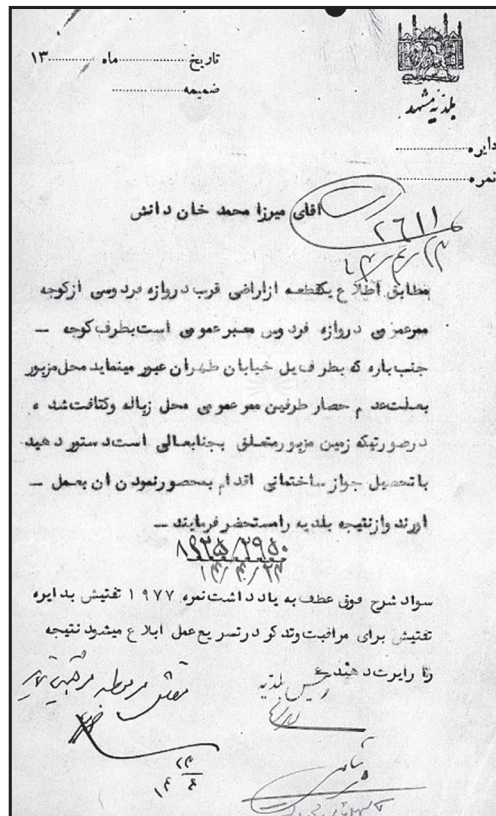
حاجی عبدالحسین طهرانی با خانواده جواهری ازدواج کرد؛ ازدواجی که در ارتباط با حرفه خانوادگی طهرانی و تجارت فیروزه بود. حاصل ازدواج با بی‌بی زهرا، دو پسر به نام‌های آقا میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا و علی صدرالتجار بود که پسر عمه محمود فرخ محسوب می‌شدند. میرزا محمد متولد ۱۲۶۹ ش. بود و بعد از انتشار مجله دانش به دانش معروف شد. اسناد از ۱۳۳۸ ق. (ساکماق، ۱: ۳۲۱) پسوند دانش را برایش ذکر کرده‌اند. انتخاب فامیل بزرگ‌نیا برای این خانواده نیز برگرفته از نام پدر بزرگشان آقابزرگ بوده است. میرزا محمد تحصیلاتش را در خراسان و تهران به پایان رساند و در محضر اساتیدی همچون شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و عبدالحسین خان نصرت درس خواند. (دانش بزرگ‌نیا، ۱۳۴۴: ۶) زندگی

دانش بزرگ نیا ابعاد مختلفی دارد که می‌توان به زمینه‌های تجاری، ملک‌داری، سیاسی، ادبی و فرهنگی اشاره کرد. او از چهره‌های فعال و تأثیرگذار مشهد و از مشهورترین رجال این شهر از اواخر دوره قاجار بود. شهرتش بیشتر به خاطر اقدامات فرهنگی‌اش در انتشار اولین سالنامه خراسان به نام دانش و تأسیس دبیرستان دانش بود که در سایه سرمایه و فعالیت اقتصادی‌اش انجام گرفت.

دانش فعالیت اقتصادی‌اش را از اواخر دوره قاجار در مشارکت با پدرش آغاز کرد و همچون او در مشهد به خرید مستغلات پرداخت. در رجب ۱۳۳۳ق. یک منزل در گود حسام‌الدین متعلق به حاجی میرزا رجبعلی فخرالاسلام به قیمت ۷ هزار تومان (ساکماق، ۱۳۲۶: ۱)، در ربیع‌الآخر ۱۳۳۴ق. یک باب حوالی مشهور به سرطویه در سردالان حاج رقیه به قیمت ۸۲۵ تومان (ساکماق، ۱۳۲۳: ۱؛ ۱۳۲۶: ۱) و حدود دو ماه بعد منزلی در دالان حاج رقیه از اولاد مرحوم حاجی سید عبدالله، امین تحویلخانه مبارکه آستانه به مبلغ ۸۰۰ تومان خریداری کرد. (ساکماق، ۱۳۲۶: ۱) مجموع خرید مستغلات حاجی عبدالحسین طهرانی و پسرش میرزا محمد، باعث شد هنگامی که این املاک در ۱۳۰۹ق. به ثبت رسید، تعداد آن‌ها به ۷ باب عمارت شامل ۲ باب بیرونی، ۲ باب اندرونی، یک خلوت و ۲ سراچه وصل به هم در ناحیه ۲ کوچه پشت حمام میرزا، گود حسام‌الدین برسد که در مجموع ۲۰۰۰۰ تومان ارزش داشت. (بهار، ش ۷۱۶: ۴)

دانش از دوره رضاشاه با توجه به توسعه معابر شهری بیشتر به اجاره و خرید مستغلات شهری پرداخت. بخشی از اراضی الندشت محل میدان دروازه ارگ را از آستان قدس رضوی اجاره و سپس خریداری کرد. (ساکماق، ۱۰۰۹۷۴: ۳-۴) در مهر ۱۳۰۸ش. همزمان با ایجاد خیابان پهلوی (امام خمینی (ره) کنونی) ۹۴ ذرع زمین جنب کنسولگری بریتانیا را به قیمت ۲۴۰۰ تومان از بلدیة خریداری کرد. (ساکما: ۲۸۵۵۲/۱-۲۹۳) دانش پیشنهاد خرید ۹ هزار گز زمین منزل خودش و صدرالتجار، ۱۳ هزار گز پشت بیمارستان و ۴۰ هزار گز زیر جوی احمدآباد داد که در کمیسیون فروش اراضی آستان قدس رضوی با درخواست اول و دوم موافقت و با درخواست سوم در حدود ۲۵ هزار گز توافق شد. (ساکماق، ۹۹۷۴۴: ۱۴۶) او همچنین املاک زیادی در خیابان‌های جدیدالاحداث اطراف شهر خریداری و حتی بدون دیوار و حصارها کرد که می‌توان آن را سرمایه‌گذاری در حوزه زمین و مسکن تعبیر کرد. در مکاتبات شهرداری (۱۳۱۴-۱۳۱۶ش.) به مستغلات متعدد دانش در انتهای خیابان تهران، انتهای خیابان

سپه، خیابان پهلوی مقابل مدرسه شاهرضا و خیابان فردوسی اشاره شده است که در طرح زیباسازی معابر قرار داشتند. املاک کنار دروازه فردوس به علت عدم حصار، محل زباله شده بود و رئیس بلدیه با او در این زمینه مکاتبه داشت. یکی دیگر از املاک دانش اراضی محل کوره فخاری استیجاری از آستان قدس رضوی در خیابان تهران بود که بلدیه بر دیوارسازی آن تأکید داشت. (ساکما: ۲۱۳-۱۲۲/۱۲۶۱۷-۰۲۹۶۱۷-۲۹۳) (تصویر ۴) دانش بخشی از اراضی باغ عنبر در خیابان پهلوی (ساکماق، ۶۹۸۵۸: ۹۹) و ۶ هزار ذرع از اراضی الندشت را از آستانه اجاره کرد و حمام الندشت را در آن ساخت. (ساکماق، ۶۶۰۶۰: ۲؛ ۵۹۹۰: ۲) با توجه به اینکه او حمامی نیز در محله عیدگاه کوچه روح الله بیگ داشت. (بهار، ش ۷۰۰: ۶) احتمالاً یکی از حوزه‌های اقتصادی دانش، حمام‌داری محسوب می‌شد؛ حوزه‌ای که در دوره پهلوی در شهر مشهد پروتق بود.



تصویر ۴: نامه رئیس بلدیه مشهد به میرزا محمد دانش (ساکما: ۱۲۹-۱۲۶۱۷-۰۲۹۶۱۷-۲۹۳)

بخش دیگر فعالیت دانش در حوزه اجاره‌داری مزارع موقوفه بود. او همچون پدرش املاک

آستان قدس رضوی را اجاره کرد. از ۱۳۲۹ق. نصف مزرعه بیلدر را برای مدت ۶ سال اجاره (ساکماق، ۱: ۳۶۸۴) و ظهیرالاسلام نیز از ۱۳۳۴ق. آن را برای مدت ۷ سال تمدید کرد. (ساکماق، ۱: ۳۱۷۸) این اجاره از ۷ جمادی الآخر ۱۳۳۸ق. برای مدت ۱۲ سال دیگر تمدید شد. (ساکماق، ۱: ۳۲۱۱؛ ۲: ۶۶۰۶۰) یکی از شیوه‌های بهره‌برداری مستأجران عمده، اجاره مجدد اراضی بود. دانش بر همین اساس مزرعه بیلدر را که شامل موقوفه و ملک شخصی‌اش بود، در ۱۳۳۸ق. برای مدت ۴ سال به حاجی ابوالقاسم رضایوف اجاره داد. (ساکماق، ۳: ۳۲۱۲) دانش همچنین نصف مزرعه فیانی را از ۱۳۲۸ق. برای مدت ۷ سال از حاج میرزا عبدالله متولی مسجد جامع کبیر (گوهرشاد) اجاره کرد. (ساکماق، ۱: ۳۴۸۱) و در ۱۳۳۵ق. برای ۷ سال دیگر به مبلغ ۴۹۰ تومان وجه نقد و ۱۴۰ خروار غله از قرار سالی ۷۰ تومان نقد و ۲۰ خروار غله تمدید کرد. (ساکماق، ۱: ۳۲۱۰) تغییر مال الاجاره از جنس به نقد در دوره جنگ جهانی اول که غلات ارزش بیشتری داشت، از نکات حائز اهمیت است. دانش مزرعه فیانی را هم به شیوه اجاره مجدد مورد استفاده قرار داد و آن را برای مدت ۳ سال به کربلایی محمدرسول ویران‌چی اجاره داد. (ساکماق، ۱: ۳۵۷۴) دانش در زمینه ملک‌داری در دوره پهلوی به ثبت املاک پدری پرداخت، چنانکه در ۲۸ آذر ۱۳۰۹ش. از طرف خود و برادرش میرزا علی صدراالتجار تقاضای ثبت شش دانگ مزرعه زرکش را داد. (ساکماق، ۵: ۹۵۶۲۳)

فعالیت تجاری میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا

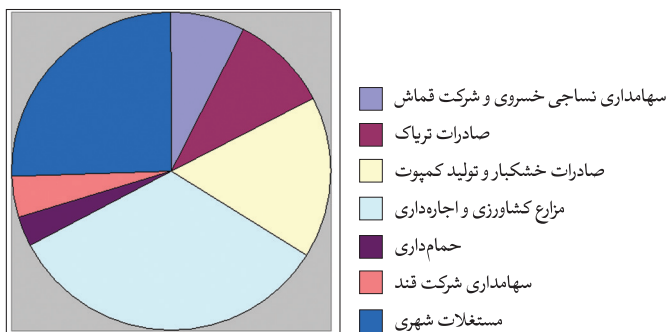
فعالیت اقتصادی پسران حاجی عبدالحسین طهرانی پس از مرگ او با نام و نشان (آرم) تجارتخانه پدرشان ادامه یافت. در ۱۳۱۶ش. هنوز تجارتخانه حاج عبدالحسین طهرانی و پسران-مشهد و تجارتخانه آقایان محمد دانش و علی بزرگ‌نیا نامیده می‌شد. (ساکماق، ۱: ۳۷۵۷۱) دانش همچون پدرش تاجر عمده تریاک بود و با شرکت دیوید ساسون تجارت می‌کرد. او سفری تجارتي به بمبئی برای تصفیه حساب‌ها با روسای آن شرکت در ۱۳۰۱ش. انجام داد. (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۱۳۹۶: ۳۰۲) به نظر می‌رسد از اوایل دوره رضاشاه با توجه به زیان‌هایی که در زمینه تجارت تریاک متحمل شد از تجارت این حوزه کاست و در حوزه‌های جدیدی همچون کبریت‌سازی و کمپوت‌سازی سرمایه‌گذاری کرد. دانش در ۱۳۰۵ش. پیشنهاد امتیاز کبریت‌سازی خراسان را به وزارت فلاح و فواید عامه داد که مجلس شورای ملی این پیشنهاد را مطابق شرایط امتیاز کبریت‌سازی آذربایجان تصویب کرد.

(اطلاعات، ش ۱۶۸: ۱؛ آزادی، ش ۷: ۳)، اما مشخص نیست تا چه مدت توانست از این امتیاز بهره‌مند شود. دانش در زمینه کمپوت خراسان موفق شد آن را همراه با میرزا علی اکبر پاپلی تأسیس کند. فکر ایجاد کمپوت توسط میرزا علی اکبر پاپلی عملی و محصولاتی نیز تولید شد. سپس تجارتخانه حاج عبدالحسین طهرانی و پسران از ۱۳۰۹ ش. کارخانه را توسعه داد. (آزادی، ش ۵۹: ۱) و پس از مذاکرات بیشمار با پاپلی تمام ماشین‌آلات و لوازم کار را از کارخانه شخصی باغ منبع به محل کارخانه جنب منزل دانش، منتقل شد، اما بعد از مرگ ناگهانی پاپلی در ۴ آذر ۱۳۱۳ ش. (طوس، ش ۹: ۲) دانش مشارکت او را در کارخانه انکار کرد و تنها نام تجارتخانه طهرانی را بر آن نهاد. (آفتاب شرق، ش ۳۵۶: ۲؛ طوس، ش ۱۸۵: ۱)

دانش علاوه بر عرصه کمپوت‌سازی، تلاش کرد در زمینه تجارت میوه و خشکبار نیز وارد شود. از آنجاکه هندوستان از بازارهای میوه، خشکبار و کمپوت خراسان بود، این اقدام با مشارکت پارسیان هند عملی شد. او در ۱۰ خرداد ۱۳۱۱ ش. همراه رستم مسانی، نماینده پارسیان هند و اسدی، نایب التولیه آستان قدس رضوی، در زمینه تأسیس شرکت سهامی میوه ایران محدود مذاکره کرد. (ساکماق، ۱: ۹۷۱۳۱) تا جهت تهیه کمپوت و خشکبار شرکتی به نام شرکت میوه ایران با سرمایه ۱۰۰ هزار تومان تشکیل شود. (ساکماق، ۲: ۷۶۷۷۹) با تأسیس شرکت خشکبار مشهد در ۱۳۱۵ ش. توسط ۸۰ نفر از سهام‌داران، دانش به عنوان رئیس هیات مدیره انتخاب شد. (شهامت، ش ۷۹: ۱) تجارتخانه عبدالحسین طهرانی و پسران از سهامداران شرکت سهامی تجارتی بود و با ۵۰ سهم از ۹۵۵ سهم، ۵ درصد کل سهام خراسان را داشت. (ساکماق، ۴۸: ۹۷۸۴۰) دانش همچنین از اعضای شرکت سهامی قماش خراسان بود و در ۱۳۱۶ ش. عضو هیات مدیره آن شد. (آفتاب شرق، ش ۷۴۵: ۱) این تجارتخانه همچنین از سهامداران شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی مشهد بود. نام آن‌ها به شکل آقایان دانش و بزرگ‌نیا ثبت شده است که با تعداد ۱۵۰ سهم جزو سهامداران اولیه بودند. (ساکماق، ۱۳۷۵۰۹: ۲) و ۱/۲۵ درصد سهام آن شرکت را در اختیار داشتند. دانش همچنین در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۶ ش. رئیس هیات مدیره شرکت قند خراسان بود. (آفتاب شرق، ش ۶۵: ۱)

دانش جایگاه مهمی در بین تجار مشهد در دوره رضاشاه داشت. تقریباً یک دهه به صورت پیوسته عضو اتاق تجارت مشهد بود و از اعضای فعال آن اتاق محسوب می‌شد و به ریاست آن نیز رسید. در ۸ مرداد ۱۳۰۸ ش. به عنوان نفر هفتم از ۲۱ نفر هیات نمایندگان انتخاب شد. (آزادی، ش ۷۵: ۱) در انتخابات ۲۰ مرداد ۱۳۱۰ ش. از ۱۵ نفر چهاردهم شد. (اتاق تجارت،

ش ۲۴: ۹) در انتخابات ۱۳۱۳ ش. به عنوان یکی از ۱۵ عضو هیات نمایندگان مورد تأیید قرار گرفت و از اواخر ۱۳۱۵ ش. به عنوان رئیس اتاق تجارت مشهد انتخاب و این سمت را تا اواخر ۱۳۱۶ ش. بر عهده داشت، اما در ۱۱ بهمن این سال از ریاست اتاق تجارت مشهد استعفا داد. (آفتاب شرق، ش ۷۸۸: ۱) این استعفا احتمالاً در پی مهاجرت او به تهران بود.



حدود تقریبی حوزه‌های فعالیت اقتصادی میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا و علی صدراالتجار (مأخذ: نگارنده)

فعالیت سیاسی و فرهنگی میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا

میرزا محمد دانش از تجار روشنفکر سال‌های بعد از مشروطه بود و به تدریج به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی گرایش یافت. در جناح‌بندی‌های سیاسی به عنوان یک دموکرات فعالیت کرد و جزو ۳۰ کاندید انتخابات انجمن بلدیّه در ۱۲۹۷ ش. معرفی و در انتخابات به عنوان نفر ۲۱ انتخاب شد. (بهار، ش ۱۵: ۲-۳) پس از آن با اختلاف نظر و تجزیه دموکرات‌ها در ۸ آبان ۱۲۹۷ ش. سردهسته یکی از سه گروه دموکرات‌های مشهد شد. آدرس مجله دانش، مجمع دموکرات مشهد معرفی شده است. (حافظی و اسماعیلی بایگی، ۱۳۹۶: ۲۷۷) با قدرت گرفتن کلنل پسیان، در ۱۳۰۰ ش. جزو تجار همراه او بود. پس از آن علاقه به وکالت مجلس شورای ملی نشان داد و در دی ماه این سال یکی از چهار نامزد برای کرسی‌های خالی نیشابور بود. علاوه بر جایگاه سیاسی و موقعیت اقتصادی پدرش و خودش به عنوان تاجر عمده تریاک، دامادی رئیس‌التجار (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۱۳۹۶: ۴۰۹؛ فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قاینات، ۱۳۹۸: ۱۴۴) نیز می‌توانست مؤثر بر موفقیتش باشد تا به عنوان نماینده آن شهر در مجلس شورای ملی انتخاب شود. دانش همچنین در انتخابات مجلس مؤسسان که برای خلع سلطنت قاجاریه برگزار شد، شرکت کرد و به عنوان یکی از ۸ نماینده مشهد در انتخابات ۲ آذر ۱۳۰۴ ش. انتخاب شد. او سپس در ۱۳۰۹ ش. عضو انجمن بلدیّه

مشهد شد و در ۱۳۱۰ ش. به ریاست آن انجمن رسید. (آزادی، ش ۵۵۲: ۱) دانش در انتخابات انجمن شهر مشهد در شهریور ۱۳۱۱ ش. با ۲۵۳ رأی نفر ۲۶ از ۴۵ بود. (آزادی، ش ۶۳۹: ۱) دانش در زمینه اجتماعی نیز فعالیت داشت. در ۱۳۰۸ ش. عضو کمیسیون دارالشفاء بود. همچنین از تاجران علاقمند به شعر و شاعری بود و همواره با شعرا و دانشمندان ارتباط داشت. (دانش بزرگ نیا، ۱۳۴۴: ۶) غالب دیوان‌های اساتید گذشته را مطالعه می‌کرد و قسمت‌هایی از اشعارش در مجلات و جراید و تذکره معاصرین چاپ شد. مهم‌ترین عامل شهرت دانش در عرصه مطبوعات، انتشار مجله دانش به عنوان اولین مجله خراسان است. او هدف از انتشار این مجله را ترویج ادبیات و تجدید آثار متروکه بزرگان ایران بیان کرد و انتقاد را آخرین وسیله ترقی و تکمیل ادبیات اعلام نمود. عمده نوشته‌های مجله را خودش تألیف یا ترجمه می‌کرد. دانش با تکیه بر وضعیت مالی خود نیاز چندانی به فواید مالی انتشار مجله نداشت و هدفش را خدمت به هموطنان و لزوم تدوین ادبیات ایران بیان نمود. مجله دانش در ۱ دی ۱۲۹۸ ش. منتشر شد و اولین مجله چاپ‌شده در خراسان بود. (حافظی و اسماعیلی بایگی، ۱۳۹۶: ۲۷۳-۲۷۶) دانش عضو انجمن ادبی خراسان بود و در جلسه ۵ آذر ۱۳۱۵ ش. به عنوان نایب‌رئیس آن انجمن انتخاب شد. سپس رئیس انجمن ادبی خراسان و مدتی نایب‌رئیس انجمن ادبی فرهنگستان ایران بود. (دانش بزرگ نیا، ۱۳۴۴: ۷) قسمتی از دیوان اشعارش را خودش به نام راز دانش چاپ کرد. گلشن آزادی او را مردی شریف، فعال و دارای طبعی عالی و در طراز اول شعرای معاصر معرفی کرده است. (گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۲۳۷)

یکی دیگر از خدمات برجسته میرزا محمد دانش تأسیس نخستین دبیرستان مشهد به نام متوسطه دانش بود. (گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۲۳۶) این دبیرستان به همت و مساعدت مالی دانش و جمعی از معارف دوستان و تجار مشهد در پنجم شوال ۱۳۳۵ ق. تأسیس شد. میرزا محمد دانش، عمادالسلطنه، معاضدالوزاره، میرزا احمدخان، میرزا اسمعیل‌خان و انتخاب‌الملک عضو هیات مدیره آن بودند. (دانش، ۱۳۳۶ ق.: ۱۳) دبیرستان دانش مشتمل بر دو کلاس و ۳۲ نفر دانش‌آموز، ابتدا در کوچه شوکت‌الدوله قرار داشت. (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۱۰۹) و دانش در ۱۳۳۶ ق. مشغول تهیه ساختمانی برای دبیرستان بود. این دبیرستان از ۱۳۱۴ ش. به ساختمان جدید واقع در خیابان دانش غربی منتقل شد و تا مدت‌ها به پاس خدمات او، به دبستان و دبیرستان دانش بزرگ‌نیا معروف بود و حتی سالن و سردر کاشیکاری دبیرستان دانش بزرگ‌نیا تا ۱۳۷۳ ش. وجود داشت. (آقاملایی، ۱۳۸۴: ۱۰۶) چهارراه دانش در

خیابان تهران (امام رضا (ع)) نیز برگرفته از نام میرزا محمد دانش است. او در دیگر حوزه‌های فرهنگی نیز پیشگام بود. نمونه آن، تغییر لباس و کلاه بود، چنانکه در ۱۸ آبان ۱۳۰۷ ش. از ملیون و متجددین خراسان معرفی شد که تغییر کلاه داد و جمعی از محترمین شهر هم از او پیروی کردند. (آزادی، ش ۴: ۴۴)

فعالیت سیاسی علی بزرگ‌نیا صدرالتجار

علی بزرگ‌نیا صدرالتجار پسر جوان‌تر حاجی عبدالحسین طهرانی متولد ۱۳۱۴ ق. بود. او برای ادامه تحصیل به اروپا سفر و در انگلستان و فرانسه در زمینه اقتصاد و تجارت تحصیل کرد و پس از بازگشت به ایران وارد امور سیاسی شد. (عاقلی، ۱۳۸۰: ۳۰۵) او همچون پدرش وارد تجارت و همچون برادرش وارد سیاست شد. وقتی سالار ممتاز رئیس شورای شهر و یکی از نمایندگان مشهد در مجلس شورای ملی در ۲۸ آبان ۱۳۰۱ ش. انجمن دموکرات مشهد را فعال کرد، یکی از اعضای مهم آن بود. (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۱۳۹۸: ۴۴۰) در ۱۳۰۲ ش. عضو هیات انجمن نظار محکمه تجارت خراسان (فکر آزاد، ش ۷۳: ۴) و یکی از ۲۰ تاجر برگزیده اتحادیه تجار مشهد در انتخابات ۳۰ دی ۱۳۰۵ ش. بود. (آزادی، ش ۷: ۳) در انتخابات مجلس پنجم شورای ملی از تربت حیدریه کاندید شد، اما انتخاب نگردید. در ۱۳۰۷ ش. از بجنورد به وکالت مجلس شورای ملی برگزیده شد. بعد از مهاجرت به تهران در ۱۳۱۷ ش. مدتی از سیاست کناره‌گیری کرد، اما از ۱۳۲۸ ش. مجدد به این عرصه بازگشت و چهار دوره نماینده سبزوار در مجلس شورای ملی شد. او در فروردین این سال با اخذ رأی از سبزوار به عضویت مجلس مؤسسان دوم درآمد. سپس در دوره شانزدهم، هجدهم، نوزدهم و بیستم، وکیل سبزوار شد. بعد از آن چون سنش از ۷۰ تجاوز کرده بود به مجلس راه نیافت. (نظری، ۱۳۹۰: ۱۸۰)

افول فعالیت اقتصادی برادران بزرگ‌نیا

برادران دانش بزرگ‌نیا از رجال تأثیرگذار در تحولات سیاسی مشهد و آستان قدس رضوی در دوره رضاشاه و احتمالاً از رجال مؤثر بر واقعه گوه‌رشاد بودند. وقتی پاکروان در اوایل ۱۳۱۳ ش. وارد مشهد شد، از اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، درباره بزرگ‌نیا پرسید. اسدی جواب داد: این‌ها مردمان ناراحت، دورو و پول‌پرستی هستند. پس از واقعه گوه‌رشاد و اعدام

اسدی آن‌ها به خیال اداره خالصجات سرخس افتادند و چون پاکروان موافق با آن‌ها نبود سرهنگ نوایی را برای نیابت تولیت تطمیع و زمینه عزل نظام‌التولیه را فراهم کردند. (آزادی، ش ۲۰۵۱: ۲-۱) شاید در پی این تحولات و ناکامی در این موارد بود که برادران بزرگ‌نیا از اواخر ۱۳۱۶ ش. مجبور به مهاجرت به تهران شدند و املاک، مستغلات و سهام خود در شرکت‌های مشهد را فروختند. از بهمن ۱۳۱۵ ش. سهام شرکت نخریسی خسروی را فروختند. سید علی موسویان وکالت فروش این سهام را بر عهده داشت. (ساکماق، ۱۳۷۵: ۵) و آخرین آن‌ها در شهریور ۱۳۱۷ ش. به محمدعلی حب‌حیدر فروخته و کلیه حساب‌های آن تجارتخانه در شرکت خسروی بسته شد. (ساکماق، ۱۳۷۵: ۱۰)

منزل بزرگ‌نیا در شمال شرق صحن جدید در ۱۹ آذر ۱۳۱۷ ش. به آستان قدس رضوی فروخته شد. (مولوی، ۱۳۵۳: ۲۴۹/۳) قرارداد اجاره ۱۲۶۶ متر از اراضی استیجاری آستانه از اول فروردین ۱۳۱۶ ش. و قرارداد اجاره ۱۸۷۱ متر زمین باغ عنبر از ۲۱ مهر ۱۳۱۸ ش. فسخ شد. (ساکماق، ۶۹۸۵: ۱۵ و ۹۹) اعیان، ساختمان و اشجار باغ دانش در آندشت در ۱۳۱۷ ق. با قیمت ۲۲۸۶۰ ریال توسط آستان قدس رضوی خریداری شد. (ساکماق، ۶۹۸۵: ۸) برای فروش برخی دیگر از املاک به حاج سید عباس جواهری، یکی از اقوامشان، وکالت دادند که نصف بیلدر و نصف فیانی را در ۱۳۱۸ ش. به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال به آستان قدس رضوی فروخت. (ساکماق، ۶۹۸۵: ۴؛ مولوی، ۱۳۵۳: ۱۹/۱، ۱۷۳)

برادران بزرگ‌نیا پس از مهاجرت به تهران دیگر فرصت حضور مؤثر در مشهد نیافتند، اما از تغییرات شهریور ۱۳۲۰ ش. برای دستیابی به اهدافشان استفاده کردند. صدرالتجار در ۱۳۲۱ ش. مقالات «فجایع خراسان» و «تاریخچه فریمان» را به‌طور انتقادی نوشت و خود را ع. خراسانی، ع. و. ب. و علی بزرگ‌نیا معرفی کرد. (مهر ایران، ش ۱۵۱: ۴) روزنامه آزادی در ۲۴ تیر ۱۳۲۱ ش. به نقش بزرگ‌نیا در تحریک خدام علیه آستانه پرداخت و نوشت: «باید بررسی بیشتری درباره پرونده مسجد گوهرشاد صورت گیرد. بزرگ‌نیا با این حساب چاره ندارد جز به دامان پنج کشیک سابق آستانه شود و از این راه امیدوار است جریان سابق را ادامه و خدام سابق را تحریک و با خرید حقوق آن‌ها و اجاره املاک سرمایه از دست رفته خود را تمدید کنند. آن‌ها از وضع مشهد القاء شبه و سوءاستفاده کرده و پنج کشیک آستان قدس را که اسدی به هم زد، برای مقاصد نامشروع خود علّم کردند». (آزادی، ش ۲۰۵۱: ۲-۱) باین وجود، برادران بزرگ‌نیا دیگر در مشهد حضوری فعال نداشتند و باینکه از نظر اجدادی خاستگاه تهرانی

داشتند و سه الی چهار دهه پایان عمر را مقیم پایتخت شدند، اما به خاطر اقامت طولانی در مشهد به این شهر تعلق خاطر داشتند و پس از مرگ در تهران، برای خاکسپاری به مشهد منتقل شدند. میرزا محمد دانش بزرگ‌نیا در اول فروردین ۱۳۴۷ ش. و صدرالتجار در ۵ تیرماه ۱۳۵۱ ش. درگذشتند و پیکر هر دو آن‌ها برای دفن به مشهد آورده شد.

نتیجه

خانواده طهرانی فعالیت اقتصادی‌شان را در مشهد از ۱۲۹۱ ق. در زمان حاجی آقابزرگ با اجاره معادن فیروزه طبس و نیشابور آغاز و بیشتر در حوزه استخراج و صادرات فیروزه فعال و علاوه بر آن در زمینه تجارت قند، ابریشم و ملک‌داری هم فعالیت داشت. با مرگ او، پسرش حاج عبدالحسین طهرانی اجاره‌داری معادن فیروزه را رها و به خرید املاک کشاورزی در اطراف مشهد پرداخت و چاهشک، زرکش، نوچاه، هدایت‌آباد سرجام، نصف فیانی و نصف بیلدر را خریداری و برخی از املاک آستان قدس رضوی و مسجد گوهرشاد را اجاره کرد، به‌طوری‌که به ملاکی بزرگ تبدیل شد. او در محله گود حسام‌الدین و دالان حاج رقیه منازل متعددی خرید و تجارتخانه بزرگ طهرانی را به‌سوی صادرات تریاک، پشم، قالی، خشکبار، کتیرا و واردات چای، ادویه و قماش سوق داد. هرچند خطرات ناشی از تجارت تریاک زیان‌هایی را متوجه او کرد، اما یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین تجار مشهد در اواخر دوره قاجار بود. پس از او، پسرش میرزا محمد دانش فعالیت اقتصادی را در زمینه املاک و تجارت ادامه داد و با پشتوانه مالی وارد عرصه فرهنگی شد و با انتشار نشریه دانش و تأسیس دبیرستان دانش از پیشگامان عرصه فرهنگی مشهد گردید. دانش بزرگ‌نیا و علی صدرالتجار در اوایل دوره پهلوی به عرصه جدید تولید مشغول شدند. امتیاز کارخانه کبریت‌سازی را کسب و تجارت خشکبار را به‌سوی تولید کمپوت سوق دادند. در زمینه تجارت تریاک و صدور خشکبار و در شرکت‌های سهامی تجارتی ایران، نساجی و نخریسی خسروی خراسان و سهامی خشکبار خراسان سهامدار شدند. همزمان با توسعه شهری در قسمت‌های مختلف مشهد به خرید املاک و مستغلات تجاری پرداختند و حتی در زمینه خدمات شهری همچون حمام‌داری وارد شدند، اما قدرت‌یابی پاکروان، والی خراسان، پس از واقعه گوهرشاد، باعث شد از ۱۳۱۷ ش. این شهر را به‌قصد اقامت در تهران ترک کنند. پیامد این مهاجرت، فسخ قراردادهای اجاره با آستان قدس رضوی و فروش املاک و مستغلاتشان در مشهد بود که موجب شد از عرصه

تجارت، زمین‌داری و صنعت این شهر کنار روند. تنها صدرالتجار یک دهه بعد، از ۱۳۲۸ش. وارد عرصه سیاسی خراسان شد و چهار دوره نماینده سبزوار مجلس شد. سرگذشت خانواده طهرانی که حدود هفتاد سال حضور مؤثر تجاری در مشهد داشت، همچون برادران هروی، نشان می‌دهد ورود تجار به عرصه سیاسی اثر منفی بر فعالیت اقتصادی می‌گذارد و باعث افول نفوذ و اعتبار اقتصادی و حذف تدریجی آنان می‌شود.

منابع

- آقاملایی، ایرج. (۱۳۸۴ش). تاریخچه آموزش و پرورش نوین مشهد و اداره کل خراسان. مشهد: مرندیز.
- جنبش کتل محمدتقی خان پسیان بنا بر گزارش‌های کنسولگری انگلیس در مشهد. (۱۳۶۶ش). ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: تاریخ ایران.
- حافظی، ابراهیم، و زینب اسماعیلی بایگی. (۱۳۹۶ش). تاریخ تحلیلی روزنامه‌ها، مجله‌ها و سالنامه‌های خراسان. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- خراسان در اسناد امین‌الضرب (سال‌های ۱۲۸۲-۱۳۵۱ق). (۱۳۹۰ش). به‌کوشش نرگس پدرام و مژده مهدوی. تهران: ثریا.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان. (۱۳۶۲ش). سفرنامه سدیدالسلطنه التدقیق فی سیر الطریق. تصحیح احمد اقتداری. تهران: بهنشر.
- فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس. (۱۳۹۸ش). ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: نگاه معاصر.
- فرهنگ جغرافیای ایران خراسان. (۱۳۸۰ش). ترجمه کاظم خادمیان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قایانات. (۱۳۹۸ش). گردآوری ستاد ارتش هند انگلیس. ترجمه محمود رفیعی. بیرجند: چهاردرخت.
- دانش، محمد. (۱۳۳۶ق). اساسنامه مدرسه متوسطه خراسان. مشهد: مطبعه خراسان.
- دانش بزرگ‌نیا، محمد. (۱۳۴۴ش). راز دانش. تهران: امیرکبیر.
- عاقلی، باقر. (۱۳۸۰ش). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. تهران: گفتار، علم.
- گلشن‌آزادی، علی‌اکبر. (۱۳۷۳ش). صدسال شعر فارسی. به‌کوشش احمد کمال‌پور. مشهد: مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- مولوی، عبدالحمید. (۱۳۵۳ش). پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی. مشهد: دفتر موقوفات آستان قدس رضوی.
- نجف‌زاده، علی، و جلیل قصابی‌گزکوه. (۱۴۰۰ش). تاریخ اقتصادی مشهد از دوره ناصری تا انقلاب اسلامی. ج ۲. مشهد: بی‌نا.

اتاق تجارت. (۱۳۱۰ش). شماره ۲۴.
اطلاعات. (۱۳۰۵ش). شماره ۱۶۸.
بشارت. (۱۳۲۵ق). شماره ۱۶.
بهار. (۱۲۹۷ش). شماره ۱۵.
بهار. (۱۳۰۹ش). شماره ۷۰۰.
بهار. (۱۳۰۹ش). شماره ۷۱۶.
شهامت. (۱۳۱۵ش). شماره ۷۹.
طوس. (۱۳۱۳ش). شماره ۹.
طوس. (۱۳۱۴ش). شماره ۱۸۵.
فکر آزاد. (۱۳۰۱ش). شماره ۷۳.
مهر ایران. (۱۳۲۱ش). شماره ۱۵۱.
مهرمنیر. (۱۳۰۲ش). شماره ۳۰.